

گذر و درنگ

کروکی‌های دکتر علی اکبر صارمی

تدوین و متن: محمد احمدی نژاد

www.ketab.ir

سرشناسه:	صارمی، علی اکبر، ۱۳۳۲
عنوان و پدیدآور:	گذر و درنگ: کرویخی های دکتر علی صارمی / متن و تدوین محمد احمدی نژاد.
مشخصات نشر:	اصفهان: خاک، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری:	۷۷۶ ص
فروست:	۷۱ ادبیات معماری و شهرسازی
شابک:	ISBN: 978-964-2648-06-1
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	معماری - دورنما - طراحی
موضوع:	معماری - طراحی
شناسه افزوده:	احمدی نژاد، محمد، ۱۳۴۲ - گردآورنده
ردیفی کنگره:	۱۲۸۶ ک ۲ ص ۱ / NC۷۹۰
ردیفی دیوبی:	۷۲۳/۸۳۶
شماره کتابخانه ملی:	۱۱۶۵۲۷۱



ادبیات معماری و شهرسازی
نشر برگزیده هشتاد سال

- ☐ گذر و درنگ
- ☐ آثار: دکتر علی اکبر صارمی
- ☐ متن: محمد احمدی نژاد
- ☐ صفحه آرای، نظارت بر چاپ: کارگاه گرافیک نشر خاک
- ☐ امور رایانه: تینا صالح جزی، بهاره اشجع
- ☐ لیتوگرافی: صبا
- ☐ امور چاپ: فردا
- ☐ صحافی: نوید
- ☐ تعداد فرم سیاه و سفید: ۲۳ فرم
- ☐ شمار: ۳۳۰۰
- ☐ نوبت چاپ: بهار ۸۷
- ☐ قیمت: ۹۸۰۰ تومان
- ☐ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۴۸-۰۶-۱
- ☐ کلیه حقوق برای نشر خاک محفوظ است.
- ☐ دفتر و نمایشگاه تهران: خیابان کریم خان زند، فرسیده به میدان هفت تیر، پلاک ۸۲ تلفن: ۸۸۴۲۵۳۲۵-۲۱
- ☐ دفتر اصفهان: خیابان محشم کاشانی (دقیقی)، رویروی پست بانک، کاشی ۳۸ تلفن: ۶۲۴۰۶۳۶-۳۱۱
- ☐ فروشگاه شماره ۲: «هفت هتر»، اصفهان، خیابان توحید شمالی، مجموعه فرمتگی فرشچیان تلفن: ۶۲۸۴۳۰۹-۳۱۱

درگاه

کروکی چیست؟ تعریف چندانی ندارد که تعریفش کنیم. قرار هم نیست چون گذشته همواره تصور کنیم نیازمند تأویلی همگانی و مشترک برای مفهوم خاصی هستیم چه، این تفاهم بر سر «فعل» این واژه نیز به دست نیامده است؛ عده‌ای «کروکی می‌کشند»، دیگرانی «کروکی می‌کنند»، بعضی‌ها هم «کروکی می‌زنند». باور هر کس در مورد فرآیند کروکی می‌تواند متفاوت باشد، مهم در این میان حاصل آن است. آنکه کروکی در نظرش نوعی «آرایه» است می‌تواند تابلوهای پر خریداری برای دیوارهای تهی دفترها، مطب‌ها و خانه‌ها ایجاد کند. اوایی که کروکی را نوعی «بازارایی» می‌داند بی‌شک می‌تواند تصاویری بیافریند که در دفترچه‌های تحقیقاتی مختلف پیوستار مناسب‌تری با نقشه‌ها و متن ایجاد کند. دست‌های ناتوان در نقاشی و حتی ترسیم، در کروکی مجالی برای فرار می‌یابند.

کروکی نزد من بیشتر «زمزمه» یا «نجوایی» را مانند است. زمزمه‌ای که می‌تواند دلنشین یا آزارنده، مبهم یا شفاف، برای خود یا یار، از دل تنگ یا نشاط یا هر آن چیزی باشد که سبکت می‌کند. کروکی برای من نه شعر عاشقانه و نه نوحه دلسوزانه است، «زبانی» برای گفتگو است. زبانی که اگر می‌توانستی با واژگان بیانش کنی نیازی به کروکی نداشتی. زبانی برای گفتگو با خودت در مراقبه‌ای با پیرامونت، چه کروکی از منظری باشد یا اندیشه خامی که روزگاری شاید موضوع کروکی دیگران شود. ویژگی مهم این زبان، ابهام در کنار شفافیت، بی‌تکلفی و سادگی همراه پیچیدگی و یا مجموعه‌ای از این تضادهاست.

آدم‌ها کمتر در جمع زمزمه می‌کنند، کمتر هم، آلبوم عکس‌های خانوادگی‌شان را بر هر کسی می‌گشایند. این همه اصرار بر ارائه مجموعه کروکی‌های این و آن، نه از آنروست که نه حاصل یک زندگی است و نه مولود لحظه‌هایی خاص؟ کروکی‌هایی که تنها به قصد ایجاد مجموعه‌ای در فرصتی اغلب ناکافی و نه در محیط، در فضای محقر آپارتمانی دست‌ساخته معمارانی از همین دست چون تکالیف نوروزی حاصل آمده‌اند. کروکی‌هایی که جزءنمایی بعضی از آنها از عکس‌هایی که از رویشان کشیده می‌شوند بیشتر است. کروکی

از دید لنز دوربین با پرسپکتیو هایی همان سان، با افزوده دستور العمل هایی برای ترسیم، با باید و نبایدهایی چون قوانین راهنمایی و رانندگی و در نهایت حاصلی چون کتاب های آشپزی البته نه با آن استقبال.

کروکی های دکتر صارمی به دلایل مختلفی ارزش انتشار داشت. اول آنکه یکبار تعدادی از آنها چاپ شده بود و کتاب حاصلش هم خمیر نشده بود. دوم اینکه در بین آنها کروکی های خوبی که بتواند آموزه ای برای جوانترها باشد کم نبود. سوم اینکه حاصل یک عمر بود و نه نتیجه چند سفر دانشگاهی. دیگر آنکه زبانی برای گفتگو داشت، کلامی شیرین و روحناواز. آخر آنکه احساس خوشی که از دیدن آنها با ابزار و مصالح مختلف به دست می داد، شرط انصاف نبود با دیگران تقسیم نشود.

خط در این کروکی ها تنها به تعریف محدوده ها و مرزهای فرم، اشیاء یا سایه - روشنی و از این قبیل نمی پردازد. در بسیاری موارد تجریدی است از برداشتی خاص و لحظه ای، امپرسیونی حاصل درنگ در گذر. در این نماها تنها برف سفید زمینه منفی را چون بسیاری از آثار مهندس سیحون نمی آفریند بلکه در مواردی تمامی جزئیات یک بافت پرتنین نیز به همین گونه حذف شده تا جریان یک گذر یا خانه های ردیف شده در آن ریسمان را بیانگر باشد. اینجا کروکی نه روایت نعل به نعل یک منظر که، بازنمایی آنی آنی است، آنگونه که باید دیده شود. دیگر نکته خوب بودن، «ابزار نازدگی» اغلب آنهاست. اگر به یاد آوریم در بازار کم تنوع آن روزها، ظهور هر ابزار نو ظهوری تا چه حد می توانسته است بعضی از کروکی های آن دوره خاص را متأثر کند که نکرده است بی شک لذت خواهیم برد. این موضوع در مورد سبکها و روش های مختلف رایج هر دوره نیز مصداق می یابد. جز در دوره کوتاهی که مربوط به دوره شاگردی استاد نزد مهندس سیحون بوده و تأثیر از کارهای ایشان کاملاً مشهود است، در ادامه هویتی شخصی قابل باز شناخت است. ویژگی دیگر آنکه بسیاری از کارها، هویت آن درنگ خاص را یافته اند. وقتی کروکی های آثار وزین معماری سستی در ایران و دیگر کشورهای شرقی را مرور می کنیم، آنها را حامل تأمل و آرامشی خاص می یابیم. گویا منظر زمانی طولانی نگریسته شده آنگاه خطوط قرصی را ساخته است. کشیدن های در سفر، به ویژه در سرزمین های غربی بیشتر حاصل گذرند تا درنگ؛ کوتاه خط پردازهایی شتابان و لحظه ای، دیگر از آن متانت شرقی اثری نمی یابی اگر چه آنجایی که وجود دارد - پاویون بارسلون - کروکی آن را متجلی ساخته است.

در هر یک از کروکی های صارمی یک چیز بارز وجود دارد. باد است یا زندگی، حرکت یا سایه، روشنی یا مرگ نمی دانم، همیشه چیزی برای یافتن وجود دارد. در ادامه نمی توانم به دو ویژگی دیگر اشاره ای نداشته باشم و آن القاعات رنگی خاص بعضی از کروکی ها و ویژگی خاص خط آسمان و خط زمین است که پس پویا هستند.

گفتم این کارها حاصل یک زندگی، اتفاقاً موازی جریان معماری معاصر کشورمان است. کارها از دهه اول تأسیس دانشکده هنرهای زیبا آغاز و تا اکنون همراه آدم هایی ادامه می یابد که به نوعی صورتگر معماری معاصر ما هستند.

و سنوآلی که هیچگاه نتوانستم جوابی برای آن بیابم. طبیعت زیبا موضوع بسیاری از کروی‌های ماست. از مناظر زیبای بومی و روستایی هم کروی می‌کشیم. از زیبایی پنهان در یادگارهای معماری گذشته و هم تک‌بناهای مدرن. خوب هم کروی می‌کشیم. راز نهفته‌ای که با این همه، نمی‌توانیم معماری‌ای ایجاد کنیم که ارزش کروی کشیدن از آن داشته باشد چیست؟ نکند آنچه می‌آفرینیم زیبا نیست.

و اما قصه وظیفه گران‌تر از نثری که همکار گرانمایه‌ام دکتر صارمی بر من نهادند. تدوین و نگاشت متن را می‌گویم. تدوین کتاب با این تصور شکل گرفت که ترتیب قرارگیری تصاویر بتواند مضمونی آموزشی را حداقل برای مخاطب دانشجویی ایجاد کند. موضوعات از «زیستگاه» به مثابه یک کل آغاز، سپس با اجزاء خرد تشکیل دهنده عناصر آن مانند دیوار، ایوان، سبزیگی و سایه-آفتاب ادامه می‌یابد تا به «فضا» یعنی حاصل این اجزاء می‌رسد. سپس کاربری‌های مختلف فضا مانند باغ یا ارگ مطرح و در نهایت غایت این همه یعنی ظرف زندگی تا مرگ و چرخش دوباره آن بیان می‌شود.

در وظیفه دوم یعنی افزودن متنی به هر کدام از موضوعات، منظور ایجاد کولازی تصویری بود چه، شعرگونه‌های نگاشته شده در صفحات زوج سر فصل‌ها، ایماژهایی مترادف کروی‌ها هستند البته مبین این موضوع که حیطه تصویر تنها در محدوده هنرهای تجسمی نمی‌گنجد و مغالطه «واژه به تصویر ارزد یا تصویر به واژه» ماهیتاً غلط بوده چرا که اصالت با «تصور» یا «خیال» است چه تحقق یافته با واژه چه با تصویر.

و آخر اینکه نوشته‌ها از چه جنسی‌اند، نثر یا هر چیز دیگر؟ من نمی‌دانم. فکر می‌کنم تنها، شیهه‌ها و زیر زبانی‌های اسبی است افسار گسیخته که می‌گذرد مرز مرز غزارش را تا بیابد خدایی، جفتی یا علفی تازه‌تر. پر دادن کبوتر خیال است تا بر کدام بام بنشیند. شیوه نگارش، تقطیع یا فرم ارائه تنها کمکی به خواندن است آنگونه که منظور بوده، نه نشانی بر ماهیت آنها.

آستانه

به
همسر، همراه و همسفرم

شیفتگی جوانان دانشجو برای درک و فهم عمیق‌تر معماری ایران و همچنین ذوق و شوقی را که گه‌گاه در ترسیم کروکی‌هایشان از بناها و فضاها دلیلی گذشته مشاهده می‌کردم مرا بر آن داشت که این کتاب را دوباره چاپ کرده و تا حدی جوابگوی نسل جدیدی از معماران باشم که به دنبال این مجموعه بودند.

همچنین با تأکید بر این نکته که ساخته دست انسانها در هر گوشه از جهان ارزشمند بوده و مادر کره خاکی کوچکی زندگی می‌کنیم که پر از شگفتی و زیبایی است و دفترچه کروکی ما می‌تواند همیشه آماده ثبت و ضبط این زیبایی‌ها باشد، در این مجموعه کروکی‌های خارج از ایران نیز اضافه شده است.

تأکید بر این نکته نیز ضروری است که شناخت معماری گذشته از طریق ترسیم مستقیم یکی از بهترین راه‌های درک اسرار درونی آنها است. در این زمینه مصاحبه‌ای را که چند سال پیش همکار فرهیخته‌ام آقای مهندس سیامک جولایی در نشریه شارسنن بهار ۱۳۸۳ با نگارنده انجام داده بود بار دیگر به چاپ می‌رسانم که امیدوارم مورد عنایت خوانندگان و بیتندگان ارجمند قرار گیرد.

علی اکبر صارمی

هشتی

زیستگاه ۱۵

۲۳ بام

۳۳ حجم

۵۱ دیوار

۶۵ ورودی

۷۵ پنجره

۸۵ ایوان

۹۳ بارگیر

۱۰۹ سایه-آفتاب

۱۲۷ سبزی‌نگی

فضا ۱۴۷

۱۵۹ خانه

۱۶۹ ارک

۱۸۵ باغ

۱۹۳ گذر

۲۰۷ میدان

۲۱۳ نشانه

۲۲۵ زندگی

۲۵۱ مرگ

سرنوشت

طراحی دست آزاد و آموزش معماری

مصاحبه با دکتر علی اکبر صارمی توسط سیامک جولایی

مهندس جولایی: می خواستم ابتدا خواهش کنم درباره آن روحیه ای که به ایجاد انگیزه و علاقه برای خلق این گونه کارها (کروکی و اسکیش) کمک می کند صحبت کنیم. ما که در دانشکده هنرهای زیبا تحصیل کرده ایم، با روحیه دانشکده آشناییم اما بچه های امروزی دانشکده های معماری این زمینه ها را نمی شناسند؛ خوب است پیش از هر چیز به شکل گیری کارهایتان و دوره زمانی از دهه ۳۰ تا ۵۰ بپردازیم.

دکتر صارمی: من در دهه ۴۰ در دانشکده های هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل کردم و ضمن کارهای دانشکده که با نظام آتلیه ای و پروژه های آن زمان انجام می شد با همت استاد بزرگوار مهندس هوشنگ سیحون و با هم دانشکده ای ها به صورت گروهی مرتب به مسافرت می رفتیم و این عشق و علاقه ای بود که ایشان در ما به وجود آوردند و چون خودشان خیلی عاشق ایران بودند و عاشق طراحی و کروکی از گوشه و کنار آن، ما را هم در مسافرت هایی که با هم می رفتیم به این کار تشویق می کردند و در کنار آن در جمع دوستان کوچکتر نیز به سفر می رفتیم و کروکی می کشیدیم. در حقیقت می توانم بگویم در آن سال ها مسئله مهارت دست و به اصطلاح «دست قوی» بودن یکی از نکاتی بود که جزء اهداف هر دانشجویی به شمار می آمد و همه می خواستند که دست قوی داشته باشند، خوب کروکی کردن هم یکی از آن زمینه هایی بود که به این مهارت کمک می کرد. در عین حال من هر وقت دوباره به این کارها نگاه می کنم می بینم علاوه بر اینکه دست قوی داشتن همیشه برای هر نوع طراحی معماری ضروری است، فایده دیگر آن تمرکز بر روی فرم و فضا است. داشتن زمان هایی برای دیدن چیزی، دقت کردن و تمرکز یافتن روی آن بسیار مفید است؛ این کار با عکاسی متفاوت است. در ثبت مناظر از طریق عکاسی تمرکز چندانی وجود ندارد؛ در ۱/۶۰ ثانیه صحنه ای یا زاویه ای را می گیرید و می گذرید ولی در ترسیم کروکی از موضوع، از هر نوعی که باشد، این تمرکز به وجود

می‌آید، بشنید و ببینید، دقت کنید و برگزینید که چه بخشی را می‌خواهید ترسیم کنید و چون معمولاً باید در زمان کوتاهی کار تمام شود بنابراین در این انتخاب، تکنیک و روش کار کردن نیز اهمیت پیدا می‌کند، روحیه، سلیقه و شخصیت شما دخیل است و شما برداشت‌کننده صرف از یک موضوع نیستید. از این جهت من این کרוکی‌ها را به عنوان بخشی از تعلیمات دانشکده در آن سال‌ها بسیار مفید می‌دانستم و الان هم پیگیری و انجام آن را به همه دانشجویان توصیه می‌کنم.

جولایی: آقای دکتر این کروکی‌هایی که اینجا می‌بینیم جزء کارهای موظف شما در دانشکده بود یا پیرو روشی که برای تشویق کار کروکی کشیدن در دانشکده رواج داشت، شما خودتان آزادانه آن را انجام می‌دادید؟
دکتر صارمی: کار موظف نبود؛ آزاد بود. بعضی از آتلیه‌ها کمتر این کار را می‌کردند. ما چون در آتلیه مهندس سیحون بودیم، به خودی خود از استاد تأثیر می‌گرفتیم و این شور و شوق جاری در دانشکده بود که ما را به تحرک وامی‌داشت که برویم و تمرین کنیم. متأسفانه من الان احساس می‌کنم این شور و شوق خیلی کم شده و اسباب تأسف است.

جولایی: آیا شما بعد از پایان دوره دانشجویی، خودتان شخصاً هم کروکی کشیدن را ادامه دادید یا نه و آیا آثاری که اینجا هست هیچ کدام مربوط به دوره بعد از دوره دانشجویی شما هم می‌شود؟

دکتر صارمی: بله من این کار را ادامه دادم؛ در همان اواخر دانشکده سفری به اروپا کردم که در کل سفر -از شمال تا جنوب اروپا- کروکی کشیدم؛ بعد رفتم آمریکا و در آنجا هم ادامه دادم. در سفرهای دیگرم به دور دنیا -ژاپن، هنگ کنگ، هند، پاکستان و بنگلادش- هم کروکی‌هایی کشیدم و آخرین‌های این مجموعه هم مربوط به سفر تونس و اسپانیا به سال ۱۳۸۶ است. بنابراین یک دوره تقریباً ۴۲ ساله را شامل می‌شود.

جولایی: لزوم انجام این کروکی‌ها و اسکیس‌های سریع را برای دانشجویان معماری چه قدر جدی می‌دانید و بفرمایید که وضعیت دانشکده‌های کنونی در این زمینه چگونه است؟

دکتر صارمی: تصور من بر این است دانشجوی معماری اگر دستش کار نکند اصلاً نمی‌تواند طراحی کند. همان‌طور که یک آهنگساز زمانی می‌تواند آهنگساز خوبی باشد که اول نوازنده‌ای ماهر باشد و اگر نوازنده نباشد اصلاً نمی‌تواند آهنگ بسازد و نمی‌تواند آن چیزی را که در ذهن دارد روی کاغذ بیاورد و نت بنویسد؛ در کار ما هم اگر این دست‌ها پرورش پیدا نکنند نمی‌توانیم آنچه که در ذهنمان تجسم پیدا می‌کند را روی کاغذ بیاوریم. البته امروز همه نوع کاری انجام می‌گیرد ولی من اسمش را معماری با تجسم معمارانه نمی‌گذارم. به نظر من هر معماری باید بتواند دستش را راه بیندازد. اگر بخشی از این مهارت تقویت بشود، تأثیر مهمی روی کار طراحی معماری فرد می‌گذارد. به نظر من نشستن جلوی یک بنای کلاسیک قدیمی و دیدن و ثبت کردن آن بسیار جذاب است، همین‌طور دیدن بناهای امروزی و کروکی از آنها.

جولایی: گفتید که طراحی با دست برای دانشجویان ضروری است؛ حالا به طور خلاصه بفرمایید با توجه به تأثیری که اکنون رایانه دارد و خود این ابزار عامل دور ماندن دانشجویان از طراحی دست آزاد شده

است. ارتباط رواج رایانه و لزوم کار با دست و جاذبه‌ها و دافعه‌هایی که در این میان پدید می‌آید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر صارمی: ببینید واقعیت این است که با توجه به تعداد فراوان دانشجویان در دانشکده‌های مختلف امروزی، توقع نیست که همه‌شان معمار و هنرمند باشند. بالاخره تعداد اندکی راه را ادامه می‌دهند. من رایانه را نه تنها خطر و مانع نمی‌بینم بلکه به نظرم ابزاری بی‌نظیر و عالی است که خیلی به طراحی و اجرای کارهای حرفه‌ای کمک می‌کند. در میان خود دانشجویها هم تعدادی در کار با رایانه واقعاً استاد هستند و آثاری به وجود می‌آورند که شگفت‌آور است و این موضوع به نظر من بسیار ارزشمند است اما عده‌ای همچنان علاقمند به کار با دست آزاد هستند و من مرتب آنها را تشویق می‌کنم که این دو گرایش به هیچ وجه جای همدیگر را نباید بگیرند؛ رایانه دید ما را به ارائه فضاهای ناب معماری باز کرده و امکانات نامحدودی را در اختیار ما گذاشته است که باید به بهترین شیوه از آن استفاده شود.

از طرف دیگر در زمینه کار با رایانه باید بگویم که این دستگاه به هیچ وجه جای طراحی با دست آزاد را نمی‌گیرد و در سرانگشتان ما نیروئی هست که اگر پرورده شود و با روح و روانمان ارتباط برقرار کند می‌تواند جادو بیافریند.

آینده را نمی‌دانم، ولی الان رایانه به هیچ وجه نتوانسته جای تماس دست با کاغذ و قلم را بگیرد و بچه‌های دانشجو هم بعد از مدتی به این مسئله می‌رسند که طراحی، کاری است که باید با دست انجام بگیرد. از طرف دیگر پرورش ذهن در هر مقطعی بسیار مهم است. باید بتوان خوب دید، حجم و فضا را حس کرد، درون و بیرون ساختمان را در ذهن مجسم کرد و با دست آنها را روی کاغذ آورد. این روندی است که در طراحی می‌تواند هنوز ادامه یابد و در مرحله بعدی رایانه می‌تواند این طرح‌های اولیه را بهتر و دقیق‌تر ارائه دهد.

جولایی: پس شما می‌گویید قبل از اینکه طراحان بخوانند به رایانه مسلط بشوند، حالا در هر رشته و در هر مرحله‌ای که هستند، این کروکی کردن‌ها و اسکیس کردن‌ها برای تقویت ذهنشان، در قبل از آن مرحله جتماً ضروری است؟

دکتر صارمی: بله من این را واجب می‌دانم و برای اینکه کسی بتواند بزند باید انگشتانش کار کند یا برای اینکه مضروب تار یا آرشه ویلن به دست بگیرد و بنوازد باید انگشتانش کار کند و این نوازندگان احتمالاً آهنگساز نیز خواهند شد. در زمینه معماری هم همان‌طور که گفتم تأکید بر مهارت‌های دست انسان است. دست‌هایتان را به کار بگیرید و ببینید چه نیرویی در آنها نهفته است.

www.ketab.ir

برپهنه کویر

شهر، نان تفدیده‌ای است؛

پرجوش،

از گندهای کوچک و بزرگ

پُر،

عطر آگین و گرم

همان قدر.